

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "سرمد" ویراستاری و ارسال: احمد پوپل
۲۳ اکتوبر ۲۰۲۲

با موج خون تجربه

تا من شنیده ام
در انقطاع ممتد و پیوسته سکوت
فریاد طفل اشک غریب کباب را
با یک جهان تلاش، عطشناک و بیدریغ
بنهاده ام قدم
در کوره راه کشمکش مرگ و زندگی
تا طی کنم مسیر پُر از پیچ و تاب را
از تیر زهرناک غم آلود اشتباه
صد بار قلب من در خون تنیده است
تا داده ام تمییز، گناه و صواب را
با موج تجربه های دراز و تلخ
بسترده ام ز آئینه چشم جست وجو
گرد سیاه تنبلی و رنگ خواب را
دانسته ام که باز
جادوگران شب
بگشوده اند دفتر نیرنگ تازه ای
تا کر کنند گوش بسی شیخ و شاب را
فهمیده ام که چیست
فرجام تلخ موعظه پوچ کاهنان
گوئی که خوانده ام
هر حرف حرف هر ورق این کتاب را
دانم که ماه نیز نقاب سپید را
بگرفته عاریت ز کف فیض آفتاب

چون پرتو درخششِ سردش نکرده آب
قشرِ درشت و منجمد سطح آب را
باور نمی‌کنم

دیگر صداقتِ نگه ماهتاب را
از آسمان بازِ کفِ دستهای من
استاره‌های آبله، با چشمهای تر
پاشند تخمِ سرخِ گلِ آفتاب را..
ای سیلِ آتشینِ نفسِ خشمِ مردمی
باری، چو ازدهای مهیب و توانگری
از بسترِ تحملِ دیرینه ات بخیز

با غولِ شب ستیز
با کوهِ مشتِ خویش
در هم بکوب، تند
دربِ حصارِ ظلمتِ بنیانِ خراب را
با دستِ پاکِ فتحِ نبردِ سترگِ خویش
در جامِ خشکِ چشمِ اسیرانِ شب بریز
چون موجِ گرمِ نور

خونِ شراب را
ای ضدِ انقلاب که آلوده کرده ای
با طمطراقِ مسخره کودکانه ات
دامانِ سرخِ قدسیتِ انقلاب را
ای دشمنِ زمانه که هرگز نداده ای
راهی به قلبِ خویش
بیم حساب را

فردا که روزی پرسشِ مردم فرا رسد
فرمانِ دادگاه
با هیبتِ صلابتِ خود خشک می‌کند
در رگِ رگِ زبانِ درشت و سیاه تو
خونِ جواب را
تا دستِ سرنوشت

در گردنِ بلندِ غرورِ تو افکند
آن حلقه‌های سرد و سیاهِ طناب را